

۲۴۶ - یاران نورانی من در این لیل ظلمانی از هاتف پنهانی ندائی بسمع روحانی رسید که ای مشتاق وقت آنست که بذکر اهل وفاق پردازی و بیاد یاران نیر آفاق افقی احبا را سبب فرح و سرور گردی مستمعان را نغمه طیور بشنوانی آهنگ بدیعی بلند کنی و نغمه جدیدی در چغانه و چنگ بر افرازی تا قلوب باهتزاز آید و جانها بانجذاب افتد و دلها پر از التهاب گردد و گوشها سرود از سروش ملأ اعلی شنود زبانها ناطق گردد وجوه بارق شود نفوس نخل باسق گردد و در استقامت و ثبوت جبل شاهق شود وجد و طرب احاطه کند غم و اندوه ازاله گردد چشمها اشکبار شود و رخها پرانوار گردد سکون مبدل بجنون شود و صبر و قرار منقلب باضطرار گردد اسرار آشکار شود خفته بیدار گردد پژمرده تازه شود مضطرب آسوده گردد محروم محرم راز شود مجنون عاقل و هشیار گردد کور بینا شود و کر شنوا گردد مخمود آتشبار شود مفقود پدیدار گردد ای یاران وقت بیداریست نه خواب زندگیست نه ممات زمان حرکتست نه سکون وقت هوشمندیست نه جنون عصر جمال مبارکست قرن اسم اعظمست آهنگ بدیعیست لحن جدید است گلبانگ طیور است گلشن حبور و سرور است وقت را غنیمت شمارید و فرصت را از دست ندهید تا توانید بتابید و بشتابید و بربائید و بیارائید و بیاسائید جانفشانی کنید مهربانی نمائید آسمانی گردید یزدانی شوید ملکوتی گردید لاهوتی شوید تا نتیجه ئی از حیات بدست آرید و ثمره ئی از شجره وجود بیار آرید